

بررسی سوره ملک و قلم در ترجمه منظوم ریبوار هه‌جمنه‌یی براساس نظریه یوجین نایدا

جواد خانلری (نویسنده مسؤل)؛^۱ ابراهیم نامداری؛^۲ عباس رهبری؛^۳

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۹ آبان ۱۴۰۰؛ تاریخ پذیرش: ۲۱ شهریور ۱۴۰۱؛ صص. ۱۰۱-۱۲۰

DOI: <https://www.doi.org/10.34785/J013.2022.006>

چکیده

کورتیه

قرآن کریم با ذات محتوایی و پیامی خود جهت هدایت و تغییر رفتار و سبک زندگی مادی‌گرایانه به الهی‌گونه بر بشر نازل شده است، چنین متن‌هایی با متن نوشته‌های بشری تفاوت‌های اساسی دارد؛ بنابراین ترجمه این‌گونه متن‌ها با متن‌های دیگر متفاوت است، مترجمان قرآن می‌کوشند تا بر اساس نظریه‌های مطرح ترجمه به انتقال مفاهیم اصلی متن قرآن به زبان مقصد بپردازند به طوری که در کنار آن ساختار اصلی حفظ شود و ساخت نحوی و دستوری آن به زبان مقصد منتقل شود و معانی اصلی واژگان و عبارات زبان مبدأ در ترجمه منعکس گردد. در این پژوهش بر اساس روش تحلیل علمی و با تکیه بر عناصر اصلی ترجمه در نظریه یوجین نایدا، به بررسی ترجمه سوره‌های «ملک» و «قلم» در ترجمه منظوم ریبوار هه‌جمنه‌یی به زبان کردی می‌پردازیم. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که این ترجمه دارای نقاط قوت و ضعف است؛ چه این که مترجم در اثر خود از ترجمه صوری بهره بسیاری برده و توانسته است زبان مقصد را به زبان مبدأ نزدیک سازد. از سوی دیگر، بنا بر افزایش متن ترجمه نسبت به متن آیات در برخی از ابیات، از ترجمه پویا در زبان مقصد بهره برده است. البته بیشتر معادل‌های مترجم در ترجمه صحیح است و این نشان‌دهنده تسلط وی به ترجمه است. هرچند ناپخته بودن متن مقصد در مواردی کاملاً محرز بوده و عدم معادل‌یابی نیز آشکار است. نهایت آن‌که ترجمه هه‌جمنه‌یی در قالب منظوم، ترجمه‌ای قابل قبول و متناسب با زبان متن مبدأ است.

واژگان کلیدی: سوره ملک و قلم؛ ریبوار هه‌جمنه‌یی؛ نایدا؛ ترجمه منظوم.

۱- مقدمه

۱-۱- بیان مسأله

ترجمه از نیازهای حیات اجتماعی بشر، به ویژه در هنگام دادوستدهای مهم و کلیدی برای تداوم زندگی مادی و معنوی است که از طریق آن کمبودها و کاستی‌های موجود در تفکر، فرهنگ و تمدن خویش را از طریق درک و دریافت برخوردارهای دیگران وارد می‌کند و توانمندی‌های سرشار و فربه خود را نیز از طریق آن به میان دیگر فرهنگ‌ها و تمدن‌های سایر ملل و اقوام صادر می‌نماید.

khanlarix59@yahoo.com

enamdari@yahoo.com

azsazs45@gmail.com

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۲. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۳. عضو علمی، گروه معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید مدرس سنندج، کردستان، ایران

این امر واقعیتی انکارناپذیر است و با آن که در دوره‌هایی از تاریخ بشر، ترجمه به عنوان یک علم مدون و منسجم مد نظر نبوده، با این حال، در صور ابتدایی و جزئی آن همواره مد نظر و مورد نیاز انسان، به عنوان فرد و گروه، بوده است. از این رو، کاملاً طبیعی است که در میان ملت‌ها و اقوام مختلف برای آن واژگان و تعابیر متعدد و متنوعی وجود داشته باشد و هر یک از آنان به فراخور زمان و زمینه خود برای آن واژه، اصطلاح، مدخل یا ... خاصی را به کار ببرند. با این حال، از آنجا که این پژوهش در ساحت دو زبان فارسی و کردی بحث می‌شود قلمرو عمل خویش را در کاوش درباره این واژه، به محدوده این دو زبان مختصر می‌کنیم.

واژه «ترجمه» در پهلوی به صورت «ترگمان» به معنی مترجم به کار رفته است و در نوشته‌های آشوری به صورت «ترگومانو» دیده شده است (کزازی، ۱۳۷۴: ۱۱-۱۲). همچنین، در پارسی سره (فارسی خالص)، گاه از واژه‌های «پچواک» و «برگردان» به جای «ترجمه» استفاده می‌کنند (همان: ۱۱-۱۲). در زبان کردی نیز برای این واژه، کلمه «وه‌رگیلان (وه‌رگیران)» به معنای «برگردان» به کار برده می‌شود (شرفکندی (هه ژار)، ۱۳۶۹: ۹۲۱).

از این رو، کاملاً طبیعی است که مفهومی با این قدمت و دامنه گسترده، تنوع و تکثر معنایی، مفهومی، روش و ... داشته باشد و بتوان از گونه‌های مختلف و متفاوت ترجمه سخن به میان آورد و آن را از زوایا و جوانب گوناگون مورد کنکاش قرار داد.

انواع ترجمه با توجه به روشی که مترجم انتخاب می‌کند عبارتند از:

- ۱- ترجمه تحت لفظی: ترجمه متن کلمه به کلمه و بدون توجه به ترکیب کلمات و قرار دادن آن‌ها در جایگاه مناسبشان با توجه به زبان مقصد.
- ۲- ترجمه معنوی: که بهترین نوع ترجمه است. گاهی ترجمه علاوه بر این که مطابق با متن می‌باشد، با توجه به زبان مقصد و نحوه ترکیب کلمات در آن زبان انجام می‌شود.
- ۳- ترجمه آزاد (مفهومی): این نوع ترجمه به گونه‌ای است که مترجم، خود را در بند و اسیر عبارات نمی‌سازد و به دلخواه خود و متناسب با وضعیت، دست به تغییراتی می‌زند.
- ۴- ترجمه داستانی یا روایتی: گاهی ممکن است مترجم، مفهوم و ریشه متن را گرفته و آن را به شکل داستان بیان کند (فاضل سعدی، ۱۳۹۴: ۱۹).

بر این اساس، دیده می‌شود که مترجم به عنوان پیونددهنده دو طرف ترجمه، یعنی زبان مبدأ و زبان مقصد، نقشی محوری دارد و صرفاً به عنوان یک ابزار صامت و فاقد درک و تحلیل نیست که به شیوه‌ای مکانیکی عمل کند. بر عکس، به تناسب دانش و مطالعات و معلومات خود در آن اعمال نظر می‌کند و محصول نهایی را به شیوه‌ای ارائه می‌نماید که با زمینه مقصد ترجمه سازگاری و هماهنگی بیشتری داشته باشد. یکی از بارزترین اقدام‌های مترجم در این وادی افزایش و کاهش در ترجمه یا حذف و اضافه برخی مفاهیم و مطالب است تا به این صورت، زمینه را برای ایجاد ارتباط میان مبدأ و مقصد ترجمه، بیشتر هموار و فراهم سازد. «قورئانی پیروز» نام ترجمه توفیق مرادی متخلص به ربیوار هه‌جمه‌یی از قرآن کریم است که برای نخستین بار، تمام سی جزء آن به زبان کردی به رشته نظم درآمده است و در سال ۱۳۹۰ توسط نشر «ئه‌وین» مریوان منتشر-گردید؛ در پژوهش حاضر که به بررسی این اثر می‌پردازد، تلاش شده است به این پرسش پاسخ داده شود که آیا ترجمه منظوم بر اساس نظریه نایدا به خوبی صورت گرفته است؟ آیا این ترجمه نیازمند ویرایش از سوی ویراستاران می‌باشد؟ در پاسخ به این پرسش‌ها، فرض بر این است که اگر مترجم بر

اساس نظریه‌ی نایدا کار را به سرانجام برساند، ترجمه‌ی او تا حدود زیادی عاری از اشکال خواهد بود و متن ترجمه‌شده تا حدودی نیازمند ویراستاری توسط خود مترجم یا ویراستار است و مترجم باید برای چاپ‌های بعدی ترجمه‌ی خود را بازنگری کند.

۱-۲- پیشینه پژوهش

نقد ترجمه‌های قرآن به ویژه ترجمه‌های منظوم از فارسی گرفته تا زبان‌های دیگر، همواره مورد توجه بوده است. لکن نقد بر اساس نظریه‌های معاصر و به اصطلاح، نقد نظریه‌محور، از جمله پژوهش‌هایی است که در عصر-حاضر، شاهد آن هستیم. در خصوص نقد ترجمه، یکی از نظریه‌های رایج ترجمه، نظریه‌ی یوجین نایدا است که امروزه ترجمه‌های بسیاری، خصوصاً ترجمه‌ی منظوم قرآن کریم بر اساس آن مورد بررسی قرار گرفته است. در خصوص بررسی ترجمه‌ی سوره‌های «ملک و قلم» بر اساس نظریه‌های رایج، پژوهش‌های زیر انجام گرفته است:

سیده محبوبه کشفی و زهرا قاسم‌نژاد (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «مقایسه و ارزیابی ترجمه‌ی انصاریان و طاهری از سوره‌ی ملک بر اساس الگوی نقد گارسس» که بر اساس الگوی ارزیابی ترجمه‌ی گارسس در چهار سطح (واژگانی، دستوری، گفتمان و سبکی) ترجمه‌ی طاهری و انصاریان از سوره‌ی ملک را مورد ارزیابی و نقد قرار داده است و به این نتیجه رسیده است که ترجمه‌ی انصاریان و طاهری از منظر شاخص‌های نظریه‌ی گارسس قابل نقد و ارزیابی است. ترجمه‌ی انصاریان دارای مصادیق بسیاری برای عناصر بسط وازگانی و ترجمه‌ی طاهری برای زیرگروه تعدیل، حذف و تقلیل مصادیق فراوانی دارد که این خود از منظر گارسس، شاخص‌های مثبت ترجمه‌ی انصاریان را نسبت به ترجمه‌ی طاهری قابل توجه‌تر نموده است. همچنین به نظر می‌رسد که ترجمه‌ی انصاریان به جهت داده‌های بسیار برای شاخص‌های مرتبط با حوزه‌ی زبان مقصد، ترجمه‌ای مقصدگرا و مخاطب‌محور است؛ خدیجه بهرامی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی فرانش‌های اندیشگانی و متنی ترجمه‌ی سوره‌ی ملک» بر اساس نظریه‌ی هلیدی، مسأله‌ی انواع فرآیندها، آغازگرها و انسجام متنی را در سوره‌ی ملک مورد تحلیل قرار داده است. نتایج تحقیق بیانگر آن است که در فرانش‌های اندیشگانی، فرآیند مادی، بیشترین فرآیند به کاررفته در متن است که خداوند با توصیف نظام شگفت‌انگیز خلقت در صدد بوده است تا انسان، به قدرت و علم او پی ببرد. درباره‌ی بررسی ترجمه‌های قرآن در زبان کردی هم، شرافت کریمی و دیگران (۱۳۹۸) به معرفی و بررسی ترجمه‌های قرآن کریم از مصطفی خرم‌دل (بررسی موردی تفسیر نور و شنه‌ی رحمت) با هدف ارائه‌ی نقاط قوت و ضعف این آثار پرداخته است؛ شرافت کریمی و دیگران (۱۳۹۷) در مقاله «سیر تاریخی و انواع ترجمه‌های قرآن کریم به زبان‌های فارسی و کردی» با رویکردی انتقادی، ترجمه‌های فارسی و کردی در گذر تاریخ را بررسی کرده و سیر تکاملی آن‌ها را مورد کنکاش قرار داده‌اند؛ اسماعیل برواسی و نسرین اسماعیلی (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «ارزیابی کیفیت ترجمه‌ی قرآن کریم توسط هژار موکریانی بر اساس گرایش‌های ریخت‌شکنانه‌ی آنتوان برمن» با استفاده از یازده مورد از موارد سیستم تحریف متن برمن به نقد و بررسی ترجمه‌ی قرآن کریم اثر هژار موکریانی پرداخته و در هر مورد با ذکر مثال، تحریف ایجاد شده را تبیین نموده و نشان می‌دهند که متن مقصد تا چه حد از متن مبدأ فاصله گرفته و این انحرافات تا چه حد معنا و مفهوم را دستخوش تغییر قرار داده است. نتایج برآمده از پژوهش بیانگر آن است که یازده مورد ذکر شده به صورت قابل ملاحظه‌ای در ترجمه‌ی هژار رخ می‌نماید؛ اما در خصوص ترجمه‌ی کردی ریبوار هه‌جمنه‌یی در سوره‌ی ملک و قلم، تاکنون پژوهشی انجام نشده است.

۲- مبانی نظری

یوجین آلبرت نایدافردی پیشگام در عرصه ترجمه و زبان‌شناسی و از اولین کسانی بود که به ترجمه به عنوان علم نگاه کرد (یوجین نایدا، ۲۰۲۰). آنچه که چارچوب یک ترجمه را نشان می‌دهد، استنباطی است که مترجم از درون ساختار زبانی متن مبدأ و بیان آن به زبان مقصد، خواهد داشت به گونه‌ای که متن ترجمه‌شده، همان تأثیری را در مخاطب به وجود آورد که متن اصلی در وی به وجود می‌آورد. ما در نظریه‌های ترجمه با دو واژه یکسان بودن^۱ و هم‌ارز بودن^۲ برخورد می‌کنیم.

یکسان بودن به معنی وجود تعادل یک به یک واحدهای ترجمه اعم از واژه، جمله و یا پاراگراف و متن است و هم‌ارز بودن، از حوزه زبان فراتر می‌رود و تعادل را بین ویژگی‌های فرازبانی در ترجمه یعنی موقعیت و بافتار متن مبدأ و متن مقصد و نیز تأثیر آن بر مخاطبان دو جامعه زبانی متفاوت برقرار می‌سازد. نایدا در توضیحات خود درباره ترجمه به جای واژه «محتوا»^۳ از اصطلاح «پیام»^۴ استفاده می‌کند (حقانی، ۱۳۸۶: ۷۲). از دیدگاه نایدا، ترجمه متن در قالب «ترجمه صوری»^۵ و «ترجمه پویا»^۶ امکان‌پذیر است. نایدا در نظریه خود به سه فرایند اضافه، حذف و تغییر در ترجمه اشاره می‌کند (Nida, ۱۹۶۴: ۲۲۶-۲۳۳).

قبل از آن باید بیان کنیم که می‌توان ترجمه را به دو شکل تقسیم‌بندی کرد:

الف- ترجمه صوری: در این سبک، ترجمه از نظر شکلی به ترجمه لفظ به لفظ شباهت دارد و نزدیکترین معنی کلمه به کلمه متن اصلی توسط مترجم مورد استفاده قرار می‌گیرد در این نوع ترجمه، مترجم تا حد زیادی سعی می‌کند دخل و تصرفی در محتوا و ساختار متن مبدأ ایجاد نکند.

ب- ترجمه پویا: این نوع ترجمه در مقابل ترجمه صوری قرار داشته و از دیدگاه نایدا این ترجمه به واسطه انتقال پیام متن، تأثیری مشابه را در فرهنگ و زبان مبدأ بر مخاطب جامعه زبانی مقصد دارد. بر این اساس می‌توان بخش‌هایی از متن را حذف یا به آن اضافه کرد و یا این که تغییر داد؛ زیرا در این نوع ترجمه، حرف اصلی را پیام متن مبدأ می‌زند (فیروز آبادی و ابراهیمی، ۱۳۹۵).

البته باید بیان نمود که تغییر در متن مبدأ نباید خدشه‌ای در پیام متن ایجاد کند، اگر چنین اتفاقی بیافتد، تأثیر متن اصلی را بر مخاطب نخواهد داشت؛ هر چند ممکن است بیان گردد که ترجمه صورت گرفته با زبان و فرهنگ جامعه مقصد، منطبق است.

نایدا تفاوت‌های ترجمه را بر پایه عوامل تأثیرگذار در سه نوع اساسی ذکر می‌کند:

۱- پیام: در برخی پیام‌ها محتوا از اهمیت بیشتری برخوردار است و در برخی دیگر باید به فرم اولویت داد. ۲- هدف

¹Similarly

²Equality

³Contents

⁴Message

⁵Formal equivalence

⁶Equivalence dynamic

مؤلف و مترجم: این‌که بخواهند هم از محتوا و هم از فرم اطلاعات بدهند، یا بخواهند طوری متن را به خواننده بفهمانند که او تمام وجوه و اهداف پیام را دریابد، یا هدفشان الزامی باشد؛ یعنی نه تنها تمام پیام را به خواننده منتقل کنند، بلکه اجازه هیچ گونه کج‌فهمی از ترجمه را هم ندهد. ۳- نوع مخاطب: مخاطبی که در آینده مؤثر خواهد بود، او در توانایی رمزگشایی و هم در علائق بالقوه متفاوت از بقیه خواهد بود (حقانی، ۱۳۸۶: ۷۲). با این حال، بر اساس آنچه که در کتاب نظریه و عمل در ترجمه درج شده است، گام‌های اساسی در روند یک ترجمه بر مبنای دیدگاه نایدا عبارتند از: بازسازی پیام، معادل به جای عین عبارت، نزدیک‌ترین معادل، اولویت معنا و از آن مهم‌تر، اهمیت سبک است (یوجین و آر. تیبیر، ۱۳۹۳: ۱۸-۲۰).

۱-۲- اضافه و افزایش^۷

در کتاب‌های مقدس، مخصوصاً قرآن، موضوع اضافه و افزایش اهمیت خاصی دارد؛ چه بسا در زبان غیرعربی برای نزدیک کردن معانی کلمات از عباراتی استفاده کنیم که دارای نقص است و از نظر معنی نارسا خواهد بود. افزایش و کاهش در متون به چند صورت رخ می‌دهد که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

۱-۱-۲- اضافه یا افزایش ترجمه‌ای

افزایش ترجمه‌ای را می‌توان با «ترجمه‌افزایی»^۸ سنجد که «به دلایلی، از جمله جلوگیری از سختی خوانش در زبان یا فرهنگ مقصد، انگیزه‌های ایدئولوژیک یا روانتر کردن ترجمه، جزئیات زیادی را که در متن اصلی موجود نیست، به ترجمه می‌افزاید» (فرح زاد و محمدی شاهرخ، ۱۳۹۴: ۱۳۳)؛ بدین معنی که مترجم جهت رفع ابهام و یا پیچیدگی مفهوم در زبان مبدأ و برای تبیین بهتر در زبان مقصد، عباراتی را در ترجمه اضافه و عبارات اضافه شده را مشخص و به عنوان یک ویراستار عمل می‌کند. مترجم متنی را که اضافه کرده است یا در گیومه قرار می‌دهد و یا به عنوان مطلب توضیحی در ذیل ترجمه اضافه می‌کند. هدف مترجم از افزایش، تقویت معنی و توضیح بیشتر است.

ممکن است افزایش کلمه و یا عبارات به این علت باشد، که در زبان مقصد کلمه‌ای معادل برای کلمه ترجمه شده نیابد که طبق انواع معادلیابی در نظریات نوین ترجمه، «تناظر یک به صفر» یا «انتقال یک به صفر» بین زبان مقصد و مبدأ مشاهده می‌شود که بیشتر مربوط به فرهنگ‌های خاص زبان مبدأ است (لطفی پور ساعدی، ۱۳۹۷: ۳۶-۴۱). اگر مترجم در کل، معادلی برای کلمه مورد ترجمه در زبان مقصد پیدا نکند ناچار همان واژه را از زبان مبدأ به زبان مقصد انتقال داده و برای آن توضیحاتی در قسمت توضیحات و یا پاورقی می‌دهد و یا این‌که یک ترجمه توصیفی برای آن واژه در نظر می‌گیرد (صلح‌جو، ۱۳۸۵: ۵۸-۶۸). برخی نیز در هنگام ترجمه اقدام به معادل‌سازی می‌کنند که ممکن است برای معادل‌سازی نیاز به ارائه توضیح باشد. در حالی که عین معنی واژه مبدأ ارائه نمی‌شود.

۱-۲- اضافه یا افزایش ویرایشی

این مورد را ویراستاران در حین ویراستاری انجام می‌دهند بدین شکل که نکات توضیحی خود را به اطلاع نویسنده و یا مترجم رسانده و در پاورقی عنوان می‌کنند «مطلب از ویراستار» (صلح‌جو، ۱۳۸۵: ۷۷). باید متذکر شد ویراستار در واقع، به ویرایش محتوایی اثر می‌پردازد و این نوع افزایش، باید «تنها در مواردی انجام گیرد که از ذکر داده مهمی غفلت شده باشد یا نکته حساسی مسکوت مانده باشد، به طوری که موجب نقص فاحشی گردد» (سمیعی (گیلانی)، ۱۳۸۳: ۱۳۶).

⁷Addition

⁸Over- Translation

در ترجمه و تفسیر قرآن نیز ما این افزایش‌ها را شاهدیم و می‌توان این افزایش‌ها را به دو صورت بیان نمود. الف: افزایش در ترجمه: در این شیوه مترجم جمله‌هایی را به ترجمه اضافه می‌کند و متن اضافه شده را در پرانتز قرار می‌دهد. حال ممکن است این جمله بلند و یا کوتاه باشد (غلامحسین زاده، ۱۳۸۶: ۵۷). مانند: ﴿... لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي﴾ (بقره: ۱۵۰) «[ای مسلمانان] از مردم نترسید، تنها از [عدم اطاعت] من بترسید». (صغرزاده، ۱۳۸۰: ۵۳): «... تا مردم، جز ظالمان (که دست از لجاجت بر نمی‌دارند)، دلیلی بر ضد شما نداشته باشند (زیرا از نشانه‌های پیامبر که در کتب آسمانی پیشین آمده، این است که او، به سوی دو قبله، نماز می‌خواند)» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳: ۲۳). ب: افزایش علائم: در این حالت مترجم در ترجمه از علائم سجاوندی استفاده می‌کند، برخی معتقدند چون این علائم در قرآن به کار نرفته و مصطلح نیست نباید اضافه شود و استفاده از آن‌ها در ترجمه قرآن، نادرست است. البته باید متذکر شد که علائم تجوید معادل علائم سجاوندی است (علامی، ۱۳۸۹: ۲۰-۲۵) و برای خواننده متن مناسب است. لذا در برخی ترجمه‌ها این اصول رعایت نشده است؛ مثلاً ﴿وَاللَّهُمَّ إِلَهٌ وَجِدْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ﴾ (بقره: ۱۶۳) «و خدای شما، خداوند یگانه‌ای است که غیر از او معبودی نیست!...» (همان: ۲۴).

۲-۲- حذف یا کاهش

برخی از مترجمین جهت تنقیح متن ترجمه‌شده از این روش استفاده می‌کنند هر چند که دست آنان در این زمینه زیاد باز نیست و باید رعایت امانت‌داری در ترجمه را داشته باشند (مستعلی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۸). چون «موارد حذف در ترجمه خوب بسیار محدود یا حتی نادر است و مترجم وفادار جز در مواقع ضروری و اجتناب‌ناپذیر، اقدام به حذف مطلبی نمی‌کند» (کمالی جواد، ۱۳۷۲: ۲۲-۳۰). بنابراین، مترجم نمی‌تواند بخشی از جمله را حذف کند یا سهواً نادیده انگارد و اعمال چنین عملی در این متون، تحریف و دخالت در محتوای آن است (لطفی پور ساعدی، ۱۳۹۷: ۱۸۰). در ترجمه‌های قرآن نیز می‌توان کاهش ترجمه‌ای را اعمال کرد و این نوع حذف را می‌توان با انواع حذف در علم معانی پیوند داد؛ چنان که علمای بلاغت به «ایجاز حذف» و «ایجاز قصر» در سطوح مختلف کلام قائل و برای هر یک مصادیقی برشمرده‌اند؛ مثلاً مصادیق ایجاز حذف عبارتند از: حذف حرف، اسم مضاف، اسمی که مضاف‌الیه واقع شده، اسم موصوف، صفتی که اسم واقع شده، شرط، جواب شرط، مسند، مسند، متعلق فعل، جمله، جملات و... (الهاشمی، ۱۳۸۲: ج ۱/ ۴۰۲-۴۰۶).

۲-۳- تغییر و جایگزینی^۹

یکی از مبانی مشترک در فرایند ترجمه و ویرایش، «تغییر» و «جایگزینی» است که اغلب توأمان عمل می‌کنند؛ یعنی تغییر واژه، نیازمند جایگزینی است. از این‌رو، افزون بر موضوع «تغییر» که در نظریه‌ناپیدا مد نظر است، بر «جایگزینی» نیز تأکید می‌شود، هرچند گاهی جایگزینی، مفهومی فراتر از تغییر دارد؛ مثلاً گاهی مترجم به تغییر و جایگزینی واژگان، اصطلاحات، عبارت، مثل‌ها و... در حد جمله، یعنی در سطح خرده‌متن^{۱۰} می‌پردازد و گاهی در

^۹Changment and Replacement

^{۱۰}Micro text

سطح کلان متن^{۱۱} به جایگزینی دست می‌زند و مثلاً یک داستان یا فرهنگ مربوط به قومیت خود را جایگزین داستان یا فرهنگ قومی موجود در متن مبدأ می‌کند و در این موارد، معمولاً مترجم و ویراستار بنا به عرف و فرهنگ جامعه خود، مجبور به چنین تغییرها و جایگزینی‌هاست و در صورت رعایت‌نشدن این موضوع، نوعی ترک ادب است و رعایت امانت، به‌ویژه در ترجمه، مُخل خواهد بود و در صورت رعایت‌نشدن این مسأله از سوی مترجم، در وهله بعدی، این وظیفه ویراستار است که به مترجم گوشزد نماید.

۲-۳-۱- تغییر در ترجمه‌های قرآن

در قرآن به سبب ماهیت زبان عربی و تفاوت ساختاربندی و دستور دو زبان فارسی و عربی، مترجم ناچار است ساختار جملات عربی را به زبان فارسی برگرداند و این امری بدیهی است. در غیر این صورت، ترجمه خوانا و رسا نخواهد بود. گاهی نیز برخی ترجمه‌ها سعی در ترجمه لفظی آیات کرده‌اند که موجب وقفه در فهم متن ترجمه‌شده است. به‌علاوه، خود ترجمه از زبان عربی به فارسی نیز نوعی تغییر است که هر واژه به معادل خود در زبان فارسی تغییر می‌یابد، اما گاهی مترجمان در عمل معادل‌یابی واژگانی، برابری مناسبی برای واژه پیدا نمی‌کنند و یا اصلاً واژه اصلی را بدون تغییر، به همان صورت ذکر کرده‌اند. بنابراین، در صورت ویرایش ترجمه‌ها، ویراستار می‌تواند در ترتیب واژگان روی محور همنشینی یا در نوع واژگان، اصطلاحات و ترکیب‌ها دگرگونی ایجاد کند و برابری مناسبی برای واژه در نظر بگیرد یا با تغییر در ساختار جملات ترجمه، خوانش و درک آن را آسان‌تر سازد که این وظیفه ویراستار در حوزه «ویرایش فنی» بررسی می‌شود؛ چراکه یکی از وظایف ویراستار در این حوزه، تطابق زبان مبدأ و متن ترجمه (مقصد) و صحت و سقم بهینگی ترجمه است.

الف- تغییر ساختاری (در محور همنشینی کلمات)

﴿وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ﴾ (بقره: ۴۵) «از شکیبایی و نماز یاری جوید؛ و به‌راستی این [کار] گران است، مگر بر فروتنان» (فولادوند، ۱۴۱۵: ۷)؛ «از شکیبایی و نماز یاری جوید و به‌راستی این [کار] مگر بر فروتنان گران است».

ب- تغییر و جایگزینی جمله به مفرد

﴿...فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أُنْدَاداً وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ...﴾ (بقره: ۲۲) «پس برای خدا همتایانی قرار ندهید، در حالی که خود می‌دانید» (فولادوند، ۱۴۱۵: ۴؛ فیض الاسلام، ۱۳۷۸: ۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۳: ۵). جمله حالیه پایان آیه را می‌توان به حال مفرد ویرایش کرد: «پس برای خداوند، دانسته همتایانی نیاورید» (موسی گرمارودی، ۱۳۸۴: ۴)؛ مثال دیگر: در ترجمه المیزان آمده است: «و هر کس به قدر توانایی که دارد، در این مسیر گام بردارد» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۳/ ۳۶۷-۳۶۸) که می‌توان این جمله را با تغییر ساختار جمله به واژه این‌گونه مختصر کرد: «و هر کس به قدر توانایی خویش در این مسیر گام بردارد».

۳- بحث و بررسی

۳-۱- بررسی ترجمه سوره ملک

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (ملک: ۱) ﴿الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيُبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ﴾ (ملک: ۲) ﴿الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَىٰ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِن تَفَافُوتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَىٰ مِن فُطُورٍ﴾ (ملک: ۳) ﴿ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ﴾ (ملک: ۴) ﴿وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِّلشَّيَاطِينِ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ﴾ (ملک: ۵)

پیام‌های محوری این پنج آیه بر اساس نظر برخی از مفسرین (قرائنی، ۱۳۷۴: ج ۱۰ / ۱۵۴) عبارتند از:

۱- بیان قدرت خداوند متعال به عنوان آفریدگار

۲- داستان سرآغاز آفرینش

۳- سرانجام حیات

۴- دنیا سرای عمل است نه حساب

۵- آخرت سرای حساب است، نه عمل

پیروزه شه‌وی، به ده‌ستی‌ه توانا؛	شه‌له‌سه‌ر گشتی، توانایه [و زانا] (1)
شه‌وی که چیی کرد، مردن و ژیان	تا تاقی کاتو که کام یه‌ک لی‌تان
چاک‌تره کاری؟ هه‌ر خوا به‌هی‌زه	هه‌م خه‌تا‌پوشه [و شه‌واو به‌ری‌زه] (2)
شه‌وی خولقاندی، هه‌وت ئاسمانه‌کان	قاتقات له‌سه‌ر یه‌ک؛ نایینی [هیچ‌ئان]
له خولقاو خوادا، هیچ چه‌وت و لاری،	جا وه‌رگی‌رپه‌وه، چاوت [یه‌ک‌جاری]
ئایا ده‌بینی، قه‌لی‌شی شه‌تو؟ (3)	جا وه‌رگی‌رپه‌وه، چاوت سه‌ر له‌نو
تا بگه‌ری‌تو، بو لات سو‌مای چاو	[ماندوو و] هیلاک و، داماو و پاماو! (4)
خه‌ملا‌ندوو‌مانه، ئاسمانی جیهان	به چراخان و، داماننا شه‌وان
بو سه‌نگسار کردن شه‌یتانان [سه‌رجه‌م]	سازمان کرد بو‌یان، سزای «جهنم» (5)

(هه‌جمنه‌یی، ۱۳۸۸: ۵۶۲).

بر اساس آنچه که در این ترجمه دیده می‌شود، مشخص می‌گردد که مترجم نتوانسته است با دقت کامل تمام واژگان محوری متن مقدس را در ترجمه خود جا دهد. حتی در برخی موارد واژه را به کلمه‌ای ملازم با واژه اصلی به کاررفته در قرآن، معنا کرده است. مطالب مربوط به این آیات، عبارتند از:

۱- در آیه اول، کلمه «ملک» را ترجمه نکرده است. یا کلمه «زانا» را که در [] گذاشته و جزء افزوده‌های مترجم

به متن مقدس است، در متن اصلی وجود ندارد.

۲- در آیه دوم نیز کلمه «العزیز» را به «به‌هیز» ترجمه نموده که تقریباً معادل واژه «القدیر» و سایر مشتقات آن است و آنچه را که در ترجمه گنجانده، لازمه معنای العزیز است نه دقیقاً معنای آن. عبارت [و ته‌واو به‌پزه] نه در متن وجود دارد و نه جزو لازمه معنای متن است.

بنابراین، با نظریه نایدا که پیام متن را امری فراتر از متن می‌دانست، همخوانی ندارد. بلکه کوشیده است بر مبنای معادل‌یابی دست به ترجمه بزند.

﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ﴾ (ملک: ۶) ﴿إِذَا أُلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهيقًا وَهِيَ تَفُورُ﴾ (ملک: ۷) ﴿تَكَادُ تَمَيَّرُ مِنَ الْعَيْظِ كُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلْتَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ﴾ (ملک: ۸) ﴿قَالُوا بَلَىٰ قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِن شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ﴾ (ملک: ۹) ﴿وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ﴾ (ملک: ۱۰) ﴿فَاعْتَرَفُوا بِذَنبِهِمْ فَسُحْقًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ﴾ (ملک: ۱۱)

پیام‌های محوری این آیات عبارتند از:

۱- راه گناهکاران کافر و سرانجام آنها

۲- توصیف جهنم و وضعیت آن در هنگام ملاقات با کافران

وه بو ئه‌وانه‌ی، نییانه ئیمان	به راه‌ینه‌ریان، [نامادهس بو‌یان]
ئازاری دۆزه‌خ؛ ئای شوینی خراوه! (۶)	کاتی فر درین، له‌بو ئه‌واوه
ده‌بیسن له‌ئه‌و، نه‌عهره‌ته‌ی نابار	که به ته‌واویش، ده‌جوشیت [یه‌کجار] (7)
نزیکه که‌م‌که‌م، جیا بی‌تو له‌قین!	که ئه‌خرینه‌ تی‌ی، پو‌لی [یه‌یه‌قین]
ده‌پرسن له‌وان، ده‌رکه‌وانه‌کان:	مه‌ر نه‌هات [که‌سی]، ترسینه‌ر بو‌تان؟ (8)
ئیژن: به‌لی! هات، بو‌مان هوژدارده‌ر	به درۆمان زانی و، وتمان: که [له‌سه‌ر]
نه‌ینارده‌ خوار خوا، هیچی [له‌وه‌وره]	نین ئیوه؛ جگ له، گومرایی گه‌وره (9)
وتیان: که ئه‌گه‌ر، ئه‌مانیست [ته‌واو]	یا تیده‌گه‌یشیتین، قه‌ت نه‌بوین له‌ناو
یارانی دۆزه‌خ (10) جا ددان ئه‌نن	به تاوانیان؛ جا نفرین له شوین یارانی دۆزه‌خ! (11)

(هه‌جمه‌یی، ۱۳۸۸: ۵۶۲).

مطالب مربوط به این آیات، عبارتند از:

۱- در آیه ۶ کلمه «ربهم» را که به معنای پروردگارشان است، به «راهینه‌ریان» ترجمه کرده که به معنای تمرین‌دهنده است. در حالی که باید با کلماتی نظیر «به‌دیهینه‌ریان، په‌روه‌ده‌کاریان»، یا ... امثال آنها ترجمه می‌نمود.

۲- در آیه ۸ کلمه [به‌یه‌قین] کاملاً اضافی است و صرفاً برای تنظیم قافیه قرار داده شده است و ربطی به واژگان موجود در متن اصلی ندارد. کلمه «ترسینه‌ر» نیز که به عنوان ترجمه «نذیر» درج شده است، اشتباه محرز نیست و لازمه معنای آن است و معنای اصلی این واژه همان «هوژدارده‌ر» است که در بیت بعدی درج شده است.

۳- در آیه ۹ نیز کلمه [له‌وه‌وره]، کاملاً حشو است و صرفاً برای پر کردن جای خالی قافیه درج شده است.

۴- حرف واو در آغاز آیه ۱۰ ترجمه نشده و پیوستگی آن با آیه ۹ تقریباً از بین رفته است.

۵- در آیه ۱۱ نیز «یارانی دوزخ» ترجمه دقیق «أصحاب السعیر» نیست؛ زیرا این کلمه در این آیه به معنای اهل دوزخ است که در آن عذاب داده می‌شود. در حالی که کلمه یاران در برخی از تعبیر، معنای مثبت همراهی، تعاون و دوستی را در بر دارد.

از این رو، می‌توان گفت که بر اساس نظریه نایدا نتوانسته است پیام متن را به درستی بیان کند و حتی در سطح پایین‌تر از آن، یعنی معادل‌یابی نیز ناکام مانده است.

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ﴾ (ملک: ۱۲)

پیام محوری این آیه عبارتند از:

سرانجام مؤمنانی که از خداوند متعال بیم دارند.

به راس وانه‌ی [جوان] ده‌ترسن له‌ خویان به پنهان

له بویان هه‌یه، به‌خشش و به‌خشین هه‌روا پاداشی، گه‌وردهش [به‌یه‌قین] (12)

(هه‌جمنه‌یی، ۱۳۸۸: ۵۶۲).

مطالب مربوط به این آیه، عبارتند از:

۱- کلمه [جوان] در این آیه حشو است. عبارت [به‌یه‌قین] نیز اضافی است و صرفاً برای تنظیم قافیه قرار داده شده است. به علاوه این کلمه نیز حشو است؛ زیرا کلمه «به‌راس» معنای واژه «إِنَّ» را بیان کرده و نیازی به ذکر عبارت [به‌یه‌قین] نیست.

۲- در این آیه، مترجم نتوانسته در مصراع اول، استقلال معنایی آیه را حفظ کند. لذا برای هماهنگ کردن قافیه، معنای بخشی از آیه ۱۱ را نیز به مصراع اول آیه ۱۲ افزوده است. از این رو، اگر کسی صرفاً به دریافت پیام معنای آیه ۱۲ نیاز داشته باشد، ناگزیر است بخشی از آیه ۱۱ را نیز مطالعه کند، یا اگر به معنای آیه ۱۱ نیازمند باشد، ناگزیر است آیه ۱۲ را نیز مطالعه کند؛ که در این صورت بنیادی‌ترین خاصیت و ویژگی ترجمه مترجم، یعنی منظوم بودن آن، به صورت خودکار از بین می‌رود.

﴿وَأَسْرُوا قَوْلَكُمْ أَوِ اجْهَرُوا بِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾ (ملک: ۱۳) ﴿أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ﴾ (ملک: ۱۴) ﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَأَنْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ﴾ (ملک: ۱۵)

پیام‌های محوری این آیات عبارتند از:

۱- اعتقاد به حضور خداوند متعال و اطلاع او از آفریدگان خود،

۲- علم خداوند متعال نسبت به همه احوال بندگان خود، بنیاد عدالت مطلق الهی در روز قیامت است،

۳- نعمت‌های خداوند متعال به بندگان خود،

پنهانی بکه‌ن، وتاری خوتان یا بیدرکینن! بی شک نهو [به جوان]

ئاگایه به‌وهی، ها له سینه‌کان (13) ئایا نازانی، نه‌وهی [بی گومان]

که چیی کرد؟ وه ئەو، دڵسۆزه و زانا (14) ئەو ئەوهس پامی کرد بوژتان [ئاوا]
 زهوی؛ جا گه‌رن، له هه‌مووی [ئهو جار] بشـخۆن له بژیو، [زاتی] کردگار
 له لای ئەویشـه ، زینـدوو بـوونـه‌وه (15)
 (هه‌جمنه‌یی، 1388: 563).

مطالب مربوط به این آیات، عبارتند از:

- ۱- در آیه ۱۳ عبارت [به جوان] هرچند حشو است و صرفاً به خاطر پر کردن فضای خالی مربوط به قافیه درج شده، از لحاظ ساختار دستور زبان کُردی نیز اشتباه است و درست‌تر آن است که عبارت [به جوانی] قرار داده شود.
- ۲- در آیه ۱۴ عبارت [بی گومان] حشو است و به خاطر پر کردن فضای خالی مربوط به قافیه درج شده است که جزء افزوده‌های بی‌استدلال مترجم به شمار می‌رود. به‌علاوه، کلمه «اللطف» در اینجا دقیقاً به معنای دلسوز نیست. بلکه به معنای اطلاع دقیق از ظریف‌ترین حالات، افعال، اعمال و ... است.
- ۳- در آیه ۱۵ کلمه [ئاوا] که ظاهراً به معنای این‌گونه، این‌چنین، به صورت فعلی و امثال آن‌ها است، ربطی به متن اصلی ندارد و در آن واژه، حرف، یا حتی ترکیب و سیاقی وجود ندارد که بتوان این واژه را به عنوان معادل آن قرار داد. عبارت «له لای ئەویشـه، زیندوو بوونـه‌وه»، به عنوان ترجمه «وإليه النشور» صحیح نیست و بهتر بود به جای آن عباراتی نظیر «به‌رهو لای ئەویشـه، زیندوو بوونـه‌وه» یا عبارات دیگری که با وزن قافیه مترجم سازگار باشد، به کار می‌رفت؛ زیرا «إلی» در اینجا به معنای «به سوی» و واژگانی معادل آن است، نه «در نزد» و کلماتی مترادف یا نظیر آن.

﴿أَأَمِنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمْ الْأَرْضَ فَإِذَا هِيَ تَمُورٌ﴾ (ملک: ۱۶) ﴿أَمْ أَمِنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرٌ﴾ (ملک: ۱۷) ﴿وَلَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَكَيفَ كَانَ نَكِيرٌ﴾ (ملک: ۱۸) ﴿أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَفَائِتٍ وَيَقْبِضْنَ مَا يَمْسِكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمَنُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ﴾ (ملک: ۱۹) ﴿أَمْنَ هَذَا الَّذِي هُوَ جُنْدٌ لَكُمْ يَنْصُرُكُمْ مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ إِنَّ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي غُرُورٍ﴾ (ملک: ۲۰) ﴿أَمْنَ هَذَا الَّذِي يُرْزُقُكُمْ إِنْ أَمْسَكَ رِزْقَهُ بَلْ جُبُوا فِي عُتُوٍّ وَنُفُورٍ﴾ (ملک: ۲۱) ﴿أَفَمَنْ يَمْشِي مُكَبِّاً عَلَىٰ وَجْهِهِ أَهْدَىٰ أَمَّنْ يَمْشِي سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ (ملک: ۲۲) ﴿قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ﴾ (ملک: ۲۳)

پیام‌های محوری این آیات عبارتند از:

دلایل متعدد بر قدرت خداوند متعال و فضل او بر بندگان خود که همه حجت‌هایی برای خداوند متعال بر آفریدگان او است.

ئایا دلنیان، ئیوه له ئەوه ئایا دلنیان، له وهی له‌ئاسمان
 ئیوه له زهوی و، دهس به له‌رزین کات؟ (16)
 دایه؛ که وه‌ها، بنی‌ریت بوژتان
 که چلۆن ده‌بی، سزا و ئازار من؟ (17)
 جا چۆن بوو سزام؟ (18) ئایا پانه‌مان
 له ئاسماندایه، له‌وهی روو ببات
 ئایا دلنیان، له وهی له‌ئاسمان
 با و گه‌رده‌لوولی؟ ئه‌وجار ده‌زانن
 به درۆیان زانی، که‌سان پێش ئه‌وان
 له بالداره‌کان، به سه‌ریانا [وا]

که بال‌بازن و، ئه‌یبه‌ستن [ئاوا] رایان نا‌گیرت؛ غه‌یره‌ز ئه‌و خوا‌یبه
 بی شک بو گشت‌شت، ته‌واو بینایه (19) جا ئه‌و کتیبه، که هی‌ز بو‌تان
 له بالآ سه‌رتان، ئازاری ره‌حمان؟ نین خوا‌نه‌ناسان؛ غه‌یر له فریودا (20)
 ئایا کیس ئه‌وه‌ی، بژیوتان ددها گهر ئه‌و بی‌گیرتو، بژیوی؟ به‌ل‌کوو
 دائم فیزاوی و، یاخین [به‌بوچوو] (21) ئایا ئه‌و که‌سه‌ی، که‌وا ری ده‌کا
 له سه‌ر روومه‌تی، زور شاره‌زاس [وا] یا که‌سی ده‌روات، به‌ پی له ری‌ی راس؟ (22)
 بی‌ژه: که ئه‌وه، چیی کردوون [به‌خاس] دای پی‌تان گو‌چکه و، چاوان و دلان
 که‌می‌کتان شوکری، لی ده‌که‌ن [به‌گیان] (23) (هه‌جمنه‌یی، ۱۳۸۸: ۵۶۳).

مطالب مربوط به این آیات، عبارتند از:

- ۱- در آیه ۱۶ در ترجمه کلمه «مَنْ» واژه «ئه‌وه» را به کار برده که اگر قرینه‌ای در ترجمه وجود داشت که نشان دهد منظور «ئه‌و که‌سه» است، صحیح بود؛ اما اکنون دارای ابهام و ابهام است؛ زیرا واژه «ئه‌وه»، گاهی به معنای «آن چیز» است. واژه «روو ببات» نیز برای ترجمه «آن یخسف» صحیح نیست و باید نوشته می‌شد: «پو ببات». در ثانی کلمه «بکم» نیز که با آن در ارتباط است، ترجمه نشده است و صحیح‌تر آن بود که نوشته شود: «پوتان ببات».
- ۲- در آیه ۱۷ نیز کلمه «أَمْ» که به معنای «یا» است، ترجمه نشده است. در حالی که این واژه رابطه بسیار قدرتمند در میان دو آیه است و نشان‌دهنده نوع دیگری از بلا است. پیشتر درباره‌ی واژه «انذار» سخن به میان آمد. در این‌جا همین مقدار بیان می‌شود که «نذیر» در این آیه به معنای «سزا و نازار من» نیست.
- ۳- در آیه ۱۹، واژه «ئه‌و خوا‌یبه» که به عنوان معادل «الرحمن» به کار برده شده صحیح نیست و تنها لازمه معنای الرحمن را بیان کرده است.

﴿قُلْ هُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ﴾ (ملک: ۲۴) ﴿وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (ملک: ۲۵) ﴿قُلْ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ﴾ (ملک: ۲۶) ﴿فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سَيِّئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَقِيلَ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَدَّعُونَ﴾ (ملک: ۲۷)

پیام‌های محوری این آیات عبارتند از:

- ۱- حقیقت روز قیامت،
- ۲- فرارسیدن ناگهانی روز قیامت،
- ۳- زیان‌دیدگی و حسرت کافران،
- بویش: ئه‌وه ئی‌وه‌ی، چی کرد له زه‌مین لای ئه‌ویش هه‌شر، ده‌کرین [به‌یه‌قین] (24)
- بی‌ژن: له کو‌ییه، ئه‌و وه‌عهده [ی دیدن به‌راسی] ئه‌گهر، ئی‌وه راست ئه‌که‌ن؟! (25)
- بی‌ژه: زانی‌نی، هه‌ر له لای خوداس منیش هوش‌دارده‌ر، ئاش‌کرام [به‌راس] (26)

کاتی بیبینن، نزیکه ئهوه [ئهوجار] شیواو و، رهش دهییتهوه
 پروومهت ئهوانه‌ی، نه‌یان بوو برپوا
 ئه‌شوتری: ئه‌مه، ئه‌وه‌یه که‌وا داواتان ئه‌کرد (27)

(هه‌جمنه‌یی، ۱۳۸۸: ۵۶۳).

مطالب مربوط به این آیات، عبارتند از:

- ۱- در آیه ۲۴ عبارت [به یه قین]، حشو است و تنها برای پر کردن جای خالی قافیه درج شده است.
- ۲- در آیه ۲۵، عبارت «له کوئیه» برای سؤال از مکان است. در حالی که کلمه «متی» برای سؤال از زمان است و باید به جای آن واژگانی نظیر «که‌یه» و امثال آن به کار برده می‌شد که ضمن صحت ترجمه با قافیه مترجم نیز سازگار باشد. عبارت [به پاس] افزوده توضیحی مترجم است و در متن اصلی وجود ندارد.

﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَهْلَكْنِي اللَّهُ وَمَنْ مَعِيَ أَوْ رَحِمَنَا فَمَنْ يُجِيرُ الْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ﴾ (ملک: ۲۸) ﴿قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ أَمَّنًا بِهِ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ﴾ (ملک: ۲۹) ﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ﴾ (ملک: ۳۰)

پیام‌های محوری این آیات عبارتند از:

برحذر داشتن تکذیب‌کنندگان از عذاب خداوند متعال.

بوویش: ئایا ئه‌گه‌ر
 له‌گه‌لمان؛ یا‌کوو، ره‌حم‌کات پی‌مان
 لا ئه‌دات کافران، له‌ ئازار به‌زان؟ (28)
 هی‌ناوه به‌ ئه‌و؛ به‌ ئه‌ویش پشت‌مان
 که‌ کی‌یه له‌ ناو، گو‌م‌رای پی‌رونا (29)
 ئاوتان؟ جا کی‌یه، که‌ بی‌نی بو‌تان
 له‌ ناوم با‌ خوا و، ئه‌وانه‌ش [یه‌کسه‌ر]
 [جا به‌هه‌ر جو‌ری، کی‌یه له‌ هه‌ر ئان]
 بوویش: ئه‌و به‌خشه‌ره، [ئی‌مه] ئیمان
 به‌ستوه؛ ئه‌و جار، پروون ده‌بی بو‌تان
 بی‌ژه: بو‌چ دیتان، که‌ ئه‌گه‌ر برپوا
 ئاوی شیرین و، [پرووناک و] ره‌وان؟ (30)

(هه‌جمنه‌یی، ۱۳۸۸: ۵۶۴-۵۶۳).

مطالب مربوط به این آیات، عبارتند از:

در این چند آیه غیر از نارسایی و فقدان شیوایی کلمات مترجم، نکته‌ خاصی به نظر نرسید. به طوری که، می‌توان گفت که زبان این ترجمه تا حد فراوانی ناپخته و خام است.

۳-۲- بررسی ترجمه سوره قلم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿يُن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ﴾ (قلم: ۱) ﴿مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ﴾ (قلم: ۲) ﴿وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ﴾ (قلم: ۳)
 ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾ (قلم: ۴)

پیام‌های محوری این آیات عبارتند از: (قرائتی، ۱۳۷۴: ۱۰/۱۶۹)

۱- سوگند خداوند متعال به جایگاه پیامبر (در نزد خداوند متعال)

۲- بر شمردن نعمت‌های خداوند متعال که موجب پرورش انسان مسلمان می‌گردد.

- «نون»، سوین به قه‌لم، نه‌وه‌ش ده‌ینووسن (1) نیت به چاکه‌ی خوات، دپوانه [و مه‌جنون] (2)
 بی شک هه‌یه بؤ، پاداش بی‌پایان (3) بی شک های له سه‌ر، ره‌فتاری زور جوان (4)
 (هه‌جمنه‌یی، ۱۳۸۸: ۵۶۴).

مطالب مربوط به این آیات، عبارتند از:

۱- در آیه ۲، کلمه «چاکه» به عنوان ترجمه کلمه «نعمه»، دقیق و حتی صحیح نیست. واژه «خوات» نیز به عنوان ترجمه «ربک» دقیق نیست و «په‌روه‌دگارت»، دقیق و صحیح است.

﴿فَسَتُبْصِرُ وَيُبْصِرُونَ﴾ (قلم: ۵) ﴿بِأَيْكُمُ الْمَفْتُونُ﴾ (قلم: ۶) ﴿إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ﴾ (قلم: ۷) ﴿فَلَا تُطْعِ الْمُكَذِّبِينَ﴾ (قلم: ۸) ﴿وَوَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ﴾ (قلم: ۹) ﴿وَلَا تُطْعِ كُلَّ خَلَافٍ مَّهِينٍ﴾ (قلم: ۱۰) ﴿هَمَّازٍ مَشَاءٍ بَنَمِيمٍ﴾ (قلم: ۱۱) ﴿مَتَاعٍ لِلْخَيْرِ مُغْتَدٍ أَثِيمٍ﴾ (قلم: ۱۲) ﴿عُتُلٌّ بَعْدَ ذَلِكَ زَبِيمٍ﴾ (قلم: ۱۳) ﴿أَنْ كَانَ ذَا مَالٍ وَبَنِينَ﴾ (قلم: ۱۴) ﴿إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأُولِينَ﴾ (قلم: ۱۵) ﴿سَنَسِفُهُ عَلَى الْحُرطُومِ﴾ (قلم: ۱۶)

پیام‌های محوری این آیات عبارتند از:

۱- توضیحی درباره حقیقت روز قیامت و مجازات امت‌های تکذیب‌کننده

۲- ارائه مثال‌هایی که نتایج اعمال ما را پیشاپیش در خیال ما زنده می‌گرداند.

- جا ده‌بینیت و، ده‌بینن نه‌وان (5) که کامتان لی‌ونه؟ [نه‌تو یا نه‌وان] (6)
 به پاسی که وا، راه‌ینه‌ری تو زاناتره نه‌و، به نه‌وه‌ی [بو خو]
 که وا گومرایه، له ریگه‌ی [به خاس] نه‌و زاناتره، که کی شاره زاس (7)
 جا مه‌که‌وه شوین، به‌دروخه‌ران (8) ویستیان نه‌رم بیت، نیان بن نه‌وان (9)
 گوئی مه‌ده به گشت، سوین‌خور بی‌نابروو (10) هم تانده‌ده رو، کوله فیتنه [پروو] (11)
 هم کوسپی چاکه، بی‌عه‌د تاوانبار (12) دل‌ره‌ق دوای نه‌وه‌ش، زولـ [ی خه‌تاکار] (13)
 بو نه‌وه‌ی هه‌سی، سامان و کوران (14) که نیات تیمه‌ی، بو خوینری [به جوان]
 نیژی: نه‌مه [هه‌ر، بووه تا بووه] چیروک و داستان، ده‌سته‌ی پیش‌ووه (15)
 نه‌و جا داخ ده‌که‌یه‌ین، سه‌ره‌ل‌ووتی (16)
 (هه‌جمنه‌یی، ۱۳۸۸: ۵۶۴).

مطالب مربوط به این آیات، عبارتند از:

در آیه ۷، واژه [به خاس] حشو است و صرفاً به عنوان پر کردن جای خالی قافیه درج شده است. کلمه «شاره‌زا» به عنوان ترجمه «مهتدین»، اشتباه محرز است.

﴿إِنَّا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرُنَّهَا مُصْبِحِينَ﴾ (قلم: ۱۷) ﴿وَلَا يَسْتَتِنُونَ﴾ (قلم: ۱۸) ﴿فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِنْ رَبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ﴾ (قلم: ۱۹) ﴿فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ﴾ (قلم: ۲۰) ﴿فَتَنَادَوُا مُصْبِحِينَ﴾ (قلم: ۲۱) ﴿أَنْ ائْتُوا عَلَيَّ حَرْثِكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (قلم: ۲۲) ﴿فَانظَلُّوْا وَهُمْ يَتَخَفَتُونَ﴾ (قلم: ۲۳) ﴿أَنْ لَا يَدْخُلْنَهَا أَلْيَوْمَ عَلَيْكُمْ مَسْكِينٌ﴾ (قلم: ۲۴) ﴿وَعَدَّوْا عَلَيَّ حَزْدٍ قَادِرِينَ﴾ (قلم: ۲۵) ﴿فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَضَالُّونَ﴾ (قلم: ۲۶) ﴿بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ﴾ (قلم: ۲۷) ﴿قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ لَوْلَا تُسَبِّحُونَ﴾ (قلم: ۲۸) ﴿قَالُوا سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ﴾ (قلم: ۲۹) ﴿فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَيَّ بَعْضٍ يَتَلَوْهُمُ﴾ (قلم: ۳۰) ﴿قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا طَاغِينَ﴾ (قلم: ۳۱) ﴿عَسَى رَبُّنَا أَنْ يُبَدِّلَنَا حَيْرًا مِنْهَا إِنَّا إِلَى رَبِّنَا رَاغِبُونَ﴾ (قلم: ۳۲) ﴿كَذَلِكَ الْعَذَابُ وَالْعَذَابُ الْآخِرَةُ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾ (قلم: ۳۳)

<p>تاقیمان کردۆ، ئەوانه [به خاس] خوارد دره‌ویه‌که‌ن، گه‌نم به ره‌یان! (17) ده‌وری‌گرت له‌وه، به لایه‌ک دژوار جا بوو به وه‌کوو، گیایه‌کی دووراو (20) گهر ئەچنن میوه، سوح چن بو باختان (22) نابیت برۆا تیی، ئەورۆ [بی‌گومان] بو به‌رگرتنی هه‌ژار توانا بوون (25) نه! به‌لکوو ئیمه، له‌وه بی به‌ش بووین! (27) نه مگوت بوچ نالین، پاکی زاتی خوا؟ (28) ئیمه بووین ده‌سته و، گرووی سته‌مکار (29) وتیان: وای لیمان! یاخی بووین [به‌گرد] (31) بی‌گورێ باش‌تر، له ئەوه بو‌مان؛ هیوامان هه‌یه (32) ئاوه هه‌یه خو گهر ئەیانزانی، [که ئەویشه هه‌س] (33) (هه‌ جمه‌یی، ۱۳۸۸: ۵۶۵).</p>	<p>راس وه‌ک تاقیمان کرد، خێو باخ؛ که سوون‌دیان «إن شاء الله» یان، نه‌گوت (18) جا نه‌وجار له راهینهر تو، که خه‌وتبوون [ته‌واو] (19) ئینجا بانگیان کرد، له ده‌مه‌ویه‌یان: (21) جا پینکه‌وه چوون، به قسه‌ی نیهان: (23) هیچ که‌سی نه‌دار! (24) به‌یانی که چوون که دیتیان وتیان: به هه‌له هاتووین (26) وتی مام‌ناوه‌ند، ئەوانه: ئایا وتیان: که پاکه، خودامان [ئیجگار] روویان له یه‌ک ناو، لۆمه‌ی یه‌کیان کرد (30) به‌و هیوایه‌ی که، راهینهر خو‌مان بی شک که ئیمه، به راهینهر خو ئازار و؛ سزای، په‌سلانیش گه‌وره‌س؛</p>
--	--

مطالب مربوط به این آیات، عبارتند از:

در آیه ۲۸، واژه «مام‌ناوه‌ند» به معنای متوسط است نه «وسط».

﴿إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٍ النَّعِيمِ﴾ (قلم: ۳۴) ﴿أَفَتَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ﴾ (قلم: ۳۵) ﴿مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ﴾ (قلم: ۳۶) ﴿أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ﴾ (قلم: ۳۷) ﴿إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لَمَا تَخَيَّرُونَ﴾ (قلم: ۳۸) ﴿أَمْ لَكُمْ أَيْمَانٌ عَلَيْنَا بِالْعَقَّةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنْ لَكُمْ لَمَا تَحْكُمُونَ﴾ (قلم: ۳۹) ﴿سَلِّمُوا إِلَيْهِمْ بِذَلِكَ زَعِيمٌ﴾ (قلم: ۴۰) ﴿أَمْ هُمْ شُرَكَاءُ فَلْيَأْتُوا بِشُرَكَائِهِمْ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ﴾ (قلم: ۴۱)

پیام‌های محوری این آیات عبارتند از:

- ۱- سرنوشت پرهیزکاران،
 - ۲- رد کردن پندارهای تکذیب‌کنندگان،
 - ۳- آنچه که خداوند متعال برای این دو گروه مهیا ساخته است اوج شادی معنوی است.
- بؤ پارِزگاران، له لای خوی خویان
 ئایا داده‌نیین، موسولمانه‌کان
 شهوه چیتانه، وا برپار دده‌ن؟! (36)
 که له ناو شه‌ودا، شه‌خوینن [به جوان]؟ (37)
 یاکوو هه‌تانه، چهن سوین له سه‌رممان
 که بؤتان هه‌بی، شه‌وهی شه‌تانوی؟ (39)
 یا چهن هاوه‌لی، هه‌یه له بؤیان
 هاوتایه‌کانیان، شه‌گهر راس شه‌که‌ن! (41)
- هه‌یه باخاتی، پر له بژیو [جوان] (34)
 [له مزد و پاداش]، وه‌ک تاوانباران؟ (35)
 یا هه‌یه بؤتان، کتی‌بی [په‌سه‌ن]
 چی هه‌لبژیئن، تی‌یدایه بؤتان (38)
 که ده‌وامیان هه‌س تا رژیو په‌سلان:
 پرس‌یاریان لی‌که، کی زامنیه‌بی؟ (40)
 ده‌ی شه‌گهر وایه، با بی‌نن شه‌وان
- (هه‌جمه‌یی، ۱۳۸۸: ۵۶۵).

مطالب مربوط به این آیات، عبارتند از:

- ۱- در آیه ۳۴، کلمه [جوان] حشو است و صرفاً برای پر کردن جای خالی قافیه درج شده است.
- ۲- در آیه ۳۵، عبارت [له مزد و پاداش] اضافه توضیحی مترجم است و کوشش کرده است به این وسیله زمینه مقایسه مسلمانان و دیگران را بیان کند؛ اما صحیح‌تر آن است که گفته می‌شد: «له بوار مزد و پاداش». در ثانی کلمه مزد در زبان کردی معمول و متعارف نیست.
- ۳- در آیه ۳۷، عبارت [به جوان] حشو است و صرفاً برای پر کردن جای خالی قافیه درج شده است.

﴿يَوْمَ يَكْشِفُ عَنْ سَاقٍ وَيَدْعُونَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ﴾ (قلم: ۴۲) ﴿خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ وَقَدْ كَانُوا
 يَدْعُونَ إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ سَالِمُونَ﴾ (قلم: ۴۳) ﴿فَدَرْنِي وَمَنْ يَكْذِبْ بِحَدِّ الْحَدِيثِ سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ﴾
 (قلم: ۴۴) ﴿وَأْمَلِي لَهُمْ إِنْ كِيدِي مَتِينٌ﴾ (قلم: ۴۵) ﴿أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَعْرَمٍ مُمْقِلُونَ﴾ (قلم: ۴۶) ﴿أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ
 يَكْتُمُونَ﴾ (قلم: ۴۷)

پیام‌های محوری این آیات عبارتند از:

- ۱- زیان دیدن مشرکان در روز قیامت،
- ۲- تکذیب کردن رسالت رسول خدا .
- ۳- استدراج خداوند متعال نسبت به آنان به منظور مجازات کردن آن‌ها،

له پی؛ و بانگیان، لی ددکریه بو
 کزه چاوانیان، داده گریت شهوان
 بو سوژده؛ کاتیگ، ساغیش بون [تهوار] (43)
 به درو دهزانی، تم په یقه؛ شهو جار
 نازانن (۴۴) شهو جار، هه لیان پی دهدهم؛
 ئایا ده تهویت، لهوانه پاداش
 مهر غه بییان لایه، شهینوسن [شهوکات] (47)
 (هه جمه یی، ۱۳۸۸: ۵۶۶-۵۶۵).

[یاد که] شهو پرژهی، دهرده خری [هه تمهن]
 سوژدهی [ی خوا]؛ که چی، ناتوانن [چه منو] (42)
 زه بونی و؛ بی شک. بانگ ده کرا لهوان
 لیم گهری له بو، شهو که سهی [له ناو]
 من دهیانگرم. له ویو که [یه کجار]
 چوونکه فیلی من، پتهوه [و مه حکم] (۴۵)
 شهوان له تاون، گرانبارن [باش] (۴۶)

مطالب مربوط به این آیات، عبارتند از:

در آیه ۴۵، عبارت «هه لیان پی دهدهم»، به عنوان معادلی برای معنای «أملی لهم» نیست که تقریباً یعنی به آنان مهلت می‌دهم. بلکه به معنای «زمینه را برای آنان مهیا می‌سازم» است. عبارت «فیلی من» که به عنوان معادل و معنای «کیدی» به کار رفته دقیق نیست و حتی بار معنایی منفی هم دارد؛ زیرا کید اساساً به معنای حقه و نیرنگ نیست. بلکه، به معنای ترفند است.

﴿فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوتِ إِذْ نَادَىٰ وَهُوَ مَكْظُومٌ﴾ (قلم: ۴۸) ﴿لَوْلَا أَن تَدَارَكُهُ نِعْمَةٌ مِّن رَّبِّهِ لَتُبْدِيَ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ مَذْمُومٌ﴾ (قلم: ۴۹) ﴿فَاجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَجَعَلَهُ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾ (قلم: ۵۰) ﴿وَإِن يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ﴾ (قلم: ۵۱) ﴿وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ﴾ (قلم: ۵۲)

پیام‌های محوری این آیات عبارتند از:

استوار ساختن رسول خدا بر حق، به منظور مواجهه با کفار قریش.

وه شهو مه به، وه ک یاری ماسی
 گهر نهیگرتایهت، ره حمی له خویو
 جا هه لیبژارد، خوی خوی و؛ شهو جار
 بی شک نزیکه، ده سهی بی ئیمان
 که بیستیان قورثان، ئیژن: بی گومان
 نییه قورثانیش؛ غهیر شهوی که وا
 هه مووان [له ناوا] (52)
 (هه جمه یی، ۱۳۸۸: ۵۶۶).

جا سهوور که له بو، فه رمانی خودات؛
 نزای کرد کاتی، کز بو [یه راسی] (48)
 به لو مه کراوی، شه خرا ده شتیکو (49)
 کردی بهوانه ی، که هه ن پاک ره فتار (50)
 که هه لئدیژن، به چاوی پیسیان
 که شهو لیویه [و، شیتته و سه رگهردان] (51)
 په ندیکه له بو،

مطالب مربوط به این آیات، عبارتند از:

۱- در آیه ۵۰ کلمه «پاک ره فتار»، به عنوان ترجمه‌ای برای کلمه «صالحین»، دقیق نیست.

۲- در آیه ۵۲ نیز عبارت [له ناوا]، حشو است و برای پر کردن جای خالی قافیه درج شده است.

۴- نتیجه‌گیری

در بررسی ترجمه مترجم از آیات این دو سوره از قرآن مجید و با تأکید بر نظریه‌ی نایدا درمی‌یابیم که به دلیل وجود تفاوت‌های اساسی که میان زبان مبدأ و مقصد وجود دارد، دستیابی به متنی که هم به لحاظ سبک و بلاغت و هم به لحاظ محتوا و معنی به زبان عربی نزدیک باشد کار آسانی نیست. هم‌چنین به دلیل حساسیت و اهمیت کلام وحی به خصوص قرآن، آخرین کتاب آسمانی، سختی این کار دو چندان می‌شود. مترجم خوب کسی است که عناصر اصلی در زبان مبدأ را بشناسد، آن‌ها را ارزیابی کند و تا حد امکان به زبان مقصد بازگرداند؛ بنابراین مترجم باید بتواند بین دنیای زبان مبدأ (در این جا قرآن)، زبان خویش و زبان مقصد تفاوت قائل شود و هم‌زمان بین این‌ها ارتباط ایجاد کند.

همان گونه که در بررسی‌ها نشان داده شد بیشتر معادل‌های مترجم در ترجمه صحیح بودند و این نشان‌دهنده تسلط نسبی او به زبان عربی است. البته با آن‌که تسلط مترجم قرآن به زبان‌های مبدأ و مقصد، شرطی لازم قلمداد می‌شود، اما کافی نیست. کمک‌گرفتن از تفاسیر معتبر اسلامی و نیز دانشمندان علوم قرآنی، عاملی دیگر در بالابردن کیفیت ترجمه است. نارسایی‌های موجود در برگردان بعضی از آیات در ترجمه برخاسته از این مسأله است.

با این حال، باید به نکات ذیل نیز در ترجمه ایشان دقت شود:

۱- عدم به کارگیری زبان و بیان واحد؛ به طوری که نتوانسته است زبان «یه‌ک‌گرتوو» یا زبان معیار کردی را در

سراسر ترجمه حفظ کند و گاهی هم زبان وی وارد ساحت محاوره و حتی سطح نازل محاوره عامیانه شده است.

۲- عدم دقت در ترجمه و معادل‌یابی

۳- ناپخته بودن زبان مقصد و عدم تسلط بر ارائه متنی منقح

۴- اشتباهات تایپی و رسم‌الخطی

۵- در این ترجمه، مترجم نتوانسته در برگردان بسیاری از آیات، استقلال معنایی آن‌ها را حفظ کند. لذا برای هماهنگ کردن قافیه، معنای بخشی از آیه قبلی را نیز به آیه بعدی افزوده است. از این رو، اگر کسی صرفاً به دریافت پیام بخش اول نیاز داشته باشد، ناگزیر است بخشی از آیه دوم یا بعدی را نیز مطالعه کند، یا اگر به معنای آیه دوم نیازمند باشد، ناگزیر است آیه قبلی را نیز مطالعه کند؛ که در این صورت بنیادی‌ترین خاصیت و ویژگی ترجمه مترجم، یعنی شعر بودن آن، به صورت خودکار از بین می‌رود.

با این حال، باید دانست که از جمله امتیازات این ترجمه می‌توان به نکات ذیل اشاره کرد:

۱- انتقال پیام آیات؛ البته با تسامح

۲- کمک به غنای آثار مکتوب کردی در ارائه اثری به زبان کردی که جزو سنگین‌ترین متون مقدس است.

با این همه، با توجه به این‌که پویایی یک ترجمه، به ویژه در قالب نظم و شعر، کار آسانی نیست این مترجم

توانسته است به نوبه خود ترجمه‌ای شایان تقدیر و برجسته را ارائه دهد.

منابع

عربی:

قرآن کریم

الهاشمی، احمد. (۱۳۸۲). *جواهر البلاغه*. ترجمه حسن عرفان. قم: نشر بلاغت.

فارسی:

برواسی، اسماعیل و اسماعیلی، نسرين. (۱۳۹۹). «ارزیابی کیفیت ترجمه کردی قرآن کریم توسط هزار مکرانی بر اساس گرایش‌های ریخت‌شکنانه آنتوان برمن». *پژوهش‌های زبان و ترجمه فرانسه*، دوره ۳، شماره ۱، صص ۲۰۱-۲۲۰.

بهرامی، خدیجه. (۱۳۹۹). «بررسی فرانش‌های اندیشگانی و متنی ترجمه سوره ملک». *فصلنامه مطالعات قرآنی*، دوره ۱۱، شماره ۴۴، صص ۹-۳۴.

حقانی، نادر. (۱۳۸۶). *نظرها و نظریه‌های ترجمه*. ویراسته افشین کازرونی. تهران: امیرکبیر.

سمیعی (گیلانی)، احمد. (۱۳۸۳). *نگارش و ویرایش*. چاپ پنجم. تهران: سمت.

صفارزاده، طاهره. (۱۳۸۰). *ترجمه قرآن*. تهران: موسسه فرهنگی جهان رایانه کوثر.

صلح‌جو، علی. (۱۳۸۵). *گفتمان و ترجمه*. چاپ چهارم. تهران: نشر مرکز.

طباطبایی، سیدمحمد حسین. (۱۴۱۷). *تفسیر المیزان*. ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

علامی، ابوالفضل. (۱۳۸۹). «علائم وقف سجاوندی». *رشد آموزش قرآن*، جلد ۲۹، شماره ۷، صص ۲۰-۲۵.

غلامحسین‌زاده، غلامحسین. (۱۳۸۶). *راهنمای ویرایش*. ششم، تهران: سمت.

فاضل سعدی، احمد. (۱۳۹۴). *فن ترجمه*. قم: بوستان کتاب قم.

فرحزاد، فرزانه؛ و محمدی شاهرخ، افسانه. (۱۳۹۴). *فرهنگ جامع مطالعات ترجمه*. تهران: نشر علمی.

فولادوند، محمدمهدی. (۱۴۱۵). *ترجمه قرآن*. چاپ اول. تهران: هیئت علمی دارالقرآن الکریم.

فیروزآبادی، سیدسعید؛ و ابراهیمی، زهرا. (۱۳۹۵). «بررسی چند ترجمه سوره ناس به زبان آلمانی بر اساس نظریه یوجین نایدا». *مطالعات ادبیات تطبیقی*، شماره ۳۷، صص ۳۱-۵۵.

فیض الاسلام، سیدعلی‌نقی. (۱۳۷۸). *ترجمه و تفسیر قرآن عظیم*. چاپ اول. تهران: فقیه.

قرائتی، محسن. (۱۳۷۴). *تفسیر نور*. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

کریمی، شرافت و دیگران. (۱۳۹۸). «معرفی و بررسی ترجمه‌های قرآن کریم از مصطفی خرم دل (بررسی موردی تفسیر نور و شنه‌ی ره‌حمه‌ت)». *پژوهشنامه ادب اسلامی*، دوره اول، شماره دوم، صص ۲۷-۴۴.

کریمی، شرافت و دیگران. (۱۳۹۷). «سیر تاریخی و انواع ترجمه‌های قرآن کریم به زبان‌های فارسی و کردی».

- پژوهشنامه ادبیات کردی، سال چهارم، شماره ۵، صص ۲۲۷-۲۴۶.
- کمالی، جواد. (۱۳۷۲). «حذف و اضافه در ترجمه». مترجم، جلد، شماره‌های ۱۱-۱۲، صص ۱۶-۳۰.
- کزازی، جلال‌الدین. (۱۳۷۴). ترجمانی و ترزبانی: کند و کاوی در هنر ترجمه. تهران: جامی.
- لطفی پور ساعدی، کاظم. (۱۳۹۷). درآمدهای به اصول و روش ترجمه. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- مستعلی پارسا، غلامرضا؛ قاسمی پرشکوه، سعید؛ وبرزگر کلورزی، منصوره. (۱۳۹۶). «پیوند ویرایش با سه عنصر ترجمه در نظریه نایدا (موردپژوهی در ترجمه قرآن کریم)». پژوهش‌های ادبی - قرآنی، جلد ۲۰، شماره ۵، صص ۱-۲۴.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۳). ترجمه قرآن. قم: دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی).
- موسوی گرمارودی، علی. (۱۳۸۴). ترجمه قرآنی. چاپ دوم. تهران: انتشارات قدیانی.
- یوجین، آلبرت نایدا؛ و آر. تیبر، چارلز. (۱۳۹۳). نظریه و عمل در ترجمه. ترجمه‌ی امیر شجاعی و زهرا داوریان. چاپ اول. تهران: انتشارات نوروزی.

کوردی:

- شهره‌فکهنندی (هه‌ژار)، عه‌بدوپه‌حمان. (۱۳۶۹). هه‌نبانه بو‌رینه. ناماده‌کراو له‌لایه‌ن محه‌مه‌دماجد مه‌ردوخ‌رۆحانی. تاران: سرووش.
- هه‌جمنه‌یی، رپیوار. (۱۳۸۸). قورئانی پی‌رۆز. مه‌ریوان: ئه‌وین.

انگلیسی:

- Nida, Eugene. (1964). *Towards a Science of Translation, with Special Referene to Principles and Procedures Involved in Bible Translating*. Leiden: Brill.